

پسران ترس خورده امروز؛ مردان دیگر آزار فردا

Photo: aletia/depositphotos.com

راضیه امیری

وقتی با عنوان خشونت خانگی روبه‌رو می‌شویم، ناخودآگاه در خیال خود مرد خشمگینی را تصویر می‌کنیم که زن بی‌پناهی را به باد کتک گرفته است. این تصویری کلیشه‌ای و سنتی از مساله خشونت خانگی است. تصویری که قابلیت بالایی برای ایجاد یک دوقطبی دارد. دو قطبی خیر و شر. سپیدی و سیاهی. زنان مظلوم و ستم کشیده‌ای که مورد آزار مردان بیدادگر قرار گرفته‌اند.

این تصویر به تمامی غلط نیست، اما از آنجا که درگیر کلی‌نگری است با مساله غامض خشونت خانگی به صورت بسیط و ساده برخورد می‌کند و از واکاوی لایه‌های پنهان آن سر باز می‌زند: سنجشی که برای درک پدیده خشونت خانگی لازم است و البته بایستی هر دو سوی رابطه را در نظر بگیرد و سعی کند از خلال اشک‌های زن و خشم و هوار مرد به این پرسش پاسخ دهد که چه می‌شود که یک زن به خود اجازه می‌دهد در چنین موقعیتی قرار بگیرد و چه می‌شود که یک مرد در چنین جایگاه دل‌آزاری قرار می‌گیرد؟

در راستای چنین بحثی می‌توان از فیلم «ملی و راه‌های نرفته‌اش» مثال زد. در این فیلم به کارگردانی «تهمینه میلانی» سعی شده است به این مساله پرداخته شود. البته در این فیلم شخصیت زن ستم‌دیده - «ملیحه» - بیشتر در مرکز توجه است و اکثر نگاه‌ها بر روی او و خشونت است که از سوی «سیامک» - همسرش - بر او جاری می‌شود. خشونت‌هایی که صرفاً در خشونت فیزیکی خلاصه نمی‌شود و بیم و هراس از چگونگی رفتار سیامک از پس هر نگاه و رفتار زن، بر دل و جان ملیحه سایه افکنده است.

بیشتر بخوانید:

[کودکانی که صدای‌شان به گوش‌ها نمی‌رسد](#)

[چطور با کسی که در معرض خشونت است صحبت کنیم](#)

[خانه امن واقعا وجود دارد](#)

با این حال اما کارگردان تلاش داشته است در کنار به تصویر کشیدن خشونت نفرت‌انگیز سیامک، این پرسش مخاطب خود را بی‌پاسخ نگذارد که چرا سیامک به صورت بیمارگونه‌ای ملیحه را اذیت می‌کند. خصوصا که در خلال فیلم مشاهده می‌کنیم سیامک به ملیحه علاقه‌ای عاشقانه نشان می‌دهد. در واقع، شکاک بودن سیامک آمیخته با علاقه مفرطی است که او نسبت به ملیحه نشان می‌دهد.

برای نمونه می‌توان به دو سکانس از فیلم برای تایید این مساله اشاره کرد.

به عنوان مثال وقتی در خرید عروسی، سیامک از ملیحه می‌خواهد که گردن خود را ببوشاند، ملیحه با حالتی آمیخته به شوخی و جدی خطاب به او می‌گوید: «مگه تو گشت ارشادی؟!» و سیامک نیز با یک لحن عاشقانه می‌گوید: «بله و هم دیوونه تو!»

در سکانسی دیگر و پس از آنکه آزار سیامک اوج می‌گیرد، ملیحه نزد خانواده خود می‌رود و سیامک نیز با حالتی متنبه و پشیمان درباره رفتار شنیع خود می‌گوید: «دست خودم نیست. اینقدر دوست دارم وقتی یکی به تو نگاه می‌کنه حس می‌کنم انگار داره به مال من دست درازی می‌کنه.»

اما چرا این علاقه سیامک به آزار بی‌وقفه ملیحه منتهی می‌شود؟ شاید در نگاه نخست بتوان گفت این علاقه مشحون از نگاه مردسالارانه و نگاه کالایی به زن است. چنان که خودش می‌گوید وقتی کسی به ملیحه نگاه می‌کند انگار به «مال او» دست درازی می‌شود. اما کارگردان سعی می‌کند در فیلم مساله‌های دیگر را نیز به میان بکشد و آن نوع رفتار پدر سیامک در خانه در زمان کودکی سیامک است.

هنگامی که سیامک ملیحه را کتک می‌زند و پدر سیامک که از ویلچر استفاده می‌کند از همسرش می‌خواهد که به کمک ملیحه برود، مادر سیامک با تلخی به او می‌گوید: «خودت یادش دادی، خودت هم جلوش رو بگیر.»

با چنین مکالمه‌های این مساله برای مخاطب مطرح می‌شود که پدر سیامک نیز در خانه به اصطلاح دست بزن داشته است. چنانکه مادر سیامک در صحنه‌ای دیگر می‌گوید وقتی سیامک را حامله بود روزی ۰۱ لگد از همسرش می‌خورد. یک بار نیز سیامک که ظاهراً از رفتار

خشن خود در مقابل ملیحه ابراز ندامت می‌کند، خاطره‌ای تلخ از کودکی خود را یادآوری می‌کند؛ وقتی کودک بود و برای خرید نان رفته بود، پول نان را گم کرد و وقتی به خانه برگشت، از پدرش کتک بسیار بدی خورد تا آن حد که دستش شکست و او دیگر پدرش را دوست نداشت و دلش هرگز با او صاف نشد.

از سوی دیگر پژوهش‌ها و مطالعات مرتبط هم [نشان داده‌اند](#) احتمال زورگویی، پرخاشگری و رفتارهای مجرمانه در کودکانی که در خانه‌هایی پر از خشم، نزاع و خشونت بزرگ شده‌اند، بیشتر از کودکان دیگری است که زندگی در چنین محیطی را تجربه نکرده‌اند.

[عضو کانال تلگرام خانه امن بشوید.](#)

بهناز مهرانی، مشاور و روانشناس نیز در این زمینه به «خانه امن» می‌گوید: «اساس رفتارهای آدمی یادگیری است و این فرایند تا پایان عمر ادامه دارد. کودکان یادگیری را از خانواده آغاز می‌کنند و رفتارهای درست و غلط، ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها، هنجارها و ناهنجاری‌ها را از این طریق می‌آموزند. خشونت و پرخاشگری هم از جمله همین رفتارها هستند.»

این روان‌شناس که در ایران در زمینه حقوق کودکان نیز فعالیت مدنی داشته است در ادامه و در توضیح بیشتر می‌گوید: «کودک به دو شکل در خانواده خشونت را می‌آموزد: ۱- تنبیه بدنی. والدینی که فاقد مهارت‌های فرزندپروری هستند برای کنترل کودکان از تنبیه بدنی به عنوان یک روش تربیتی استفاده می‌کنند. تنبیه شونده هم غالباً تبدیل به تنبیه کننده می‌شود. ۲- کودکان روش‌هایی را که والدین برای حل مسائل و مشکلات خود به کار می‌برند یاد می‌گیرند. چنانچه والدین فاقد مهارت‌های کافی برای حل اختلافات خود با یکدیگر و با سایر افراد باشند و از رفتارهای خشونت‌آمیز استفاده کنند، کودک نیز خشونت را به عنوان یک راهکار حل مساله خواهد شناخت.»

با این حال شاید بتوان گفت این حکمی قطعی و کلی نیست و تحقیقاتی هم هستند که [نشان می‌دهند](#) با وجود اینکه گرایش به خشونت در بزرگسالی در میان کودکان مبتلا به خشونت خانگی بالاست، اما نهادهای مدنی نیز می‌توانند نقشی کنترل کننده داشته باشند و از تاثیر سوء و منفی خشونت خانگی بر روند رشد و تربیت کودکان بکاهند.

با توجه به اشاره بالا به نقش نهادهای مدنی، شاید در اینجا بد نباشد گریزی به «خانه امن» زده شود. نهادی که سعی می‌کند بنا به تعریفی که از خود ارائه می‌دهد خشونت خانگی را به عنوان یکی از آسیب‌های اجتماعی مورد هدف قرار دهد و در راستای پیشگیری از آن و مقابله با آن فعالیت کند.

در فیلم «ملی و راه‌های نرفته‌اش» نیز شماره تماس مشاور خانه امن، دریچه امدادی بود برای ملیحه تا بتواند با صدای مردی روبه‌رو شود که بر خلاف اطرافیانش سعی می‌کرد با درک مشکل او، به او یاری برساند.

خانه امن اما تنها برای امثال ملیحه نیست و می‌تواند پناهگاه مشورتی برای دیگر آزاردیدگان نیز باشد؛ از جمله والدینی که نگران آینده کودکان خود هستند. والدینی که نمی‌خواهند کودکان‌شان تبدیل به مردانی مانند سیامک شوند.